

## معاد باوری از منظر صحیفه سجادیه

### چکیده

یکی از اصول دین و پایه‌های ادیان الهی، معاد است که بعد از توحید و نبوت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اعتقاد به معاد و پذیرش جهان پس از مرگ، تأثیر بسزایی در چگونگی رفتار و کردار هر فرد در زندگی دنیوی وی دارد.

در این مقاله سعی شده است که با استفاده از کلام شیرین و زیبا و دل‌نشین امام سجاد (علیه‌السلام)، با روش تحلیلی و کتابخانه‌ای به جلوه‌های مختلف معاد در صحیفه سجادیه اشاره کرده و به نقش مهم معاد باوری و تأثیر آن در زندگی دنیوی از طریق دعا و مناجات پی برده و در عمل به کار ببریم تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابیم؛ ان شاءالله.

**واژگان کلیدی:** معاد، قرآن، صحیفه سجادیه، اثبات معاد، اسامی قیامت.

\*دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

استاد راهنما: خانم طلوع هاشمی استاد حوزه علمیه

## طرح بحث

لفظ معاد از «عاد یعود» گاهی به معنای مصدری (برگشتن) گاهی به معنای اسم زمان (زمان برگشتن) و گاهی به معنای اسم مکان (جای برگشتن) است. از صیغهی «عَوَدَ» به معنای برگشتن به سوی چیزی، بعد از آنکه از آن چیز انصراف داده شده بود.

هر فردی که در این عالم به وجود می‌آید، همین فرد در رستاخیز زنده می‌شود و تا ابد زنده خواهد بود. پس بین انسان و انسانی که در آخرت زنده می‌شود، «هو هویت» و «این همانی» برقرار است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ص ۴۳۳-۴۳۲)

معاد عود است به فطرت اولی؛ که اشاره دارد به آیهی شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (طوسی، ج ۱، ص ۲۱۸)

معاد در اصطلاح فلسفی و کلامی به معنای بازگشت انسان بعد از مرگ و حیات بعد مرگ برای رسیدن به حساب اعمال اوست. (سجادی، ج ۳، ص ۱۸۱۵)

معاد که یکی از اصول اعتقادی ادیان الهی است، تأثیر کامل و بسزایی در انتخاب چگونگی زندگی افراد دارد. کسی که زندگی خود را محدود به همین دنیا و عناصر مادی آن می‌داند و سعادت و کمال خود را در همین دنیا جستجو می‌کند، رفتارهای خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که بهترین و بیشترین لذت را از دنیا ببرد و نیازهای خودش در اولویت قرار دارد.

اما کسی که حقیقت را فراتر از پدیده‌های مادی و این دنیا می‌داند و مرگ را پایان زندگی نمی‌داند و مرگ را پلی برای انتقال به سعادت ابدی می‌داند، زندگی‌اش را به گونه‌ای پیش می‌برد که به بالاترین و بهترین لذت ابدی برسد؛ سختی‌ها و گرفتاری‌های دنیا او را دلسرد نمی‌کند. اعتقاد به حیات اخروی و پاداش و کیفر ابدی، نقش مهمی در رعایت حقوق دیگران، احسان و ایثار به دیگران، رعایت قوانین عادلانه و جلوگیری از ظلم و ستم به دیگران دارد.



کسی که به قیامت و حساب و کتاب آن و به عدالت خدای تعالی ایمان دارد، سعی می‌کند در رفتارهای فردی و اجتماعی خود از حد عدالت خارج نشود و بیش از آنکه به سعادت دنیا بیندیشد، به سعادت اخروی خود بیندیشد.

در این مختصر به دیدگاه امام سجاد (علیه‌السلام) به معاد و چگونگی تأثیر آن در زندگی فردی اشخاص پرداخته می‌شود.

آن حضرت با استفاده از زبان دعا، ضمن اثبات معاد به واسطه‌ی عدل الهی، به شیوه‌های مختلفی درباره‌ی مرگ و جهان بعد از مرگ و زنده شدن مردگان و حسابرسی روز قیامت اشاره می‌کنند و از شر آن روز به خدا پناه می‌برند. انسان موحدی که جهان پس از مرگ و معاد را قبول دارد، قطعاً در زندگی به گونه‌ای رفتار خواهد کرد که زندگی بعد از مرگش را تأمین کند و به سعادت ابدی برسد.

## ۱. اثبات معاد

### الف) اثبات معاد در طبیعت

– **برهان حکمت:** آفرینش الهی بیهوده و بی‌هدف نیست. خداوند جهان را به گونه‌ای آفریده است که بیشترین خیر و کمال ممکن بر آن مترتب می‌شود؛ بنابراین مخلوقات را به غایت و کمال لایق آن‌ها می‌رساند.

از آنجا که در جهان مادی، خیرات و کمالات موجودات مادی با یکدیگر تعارض پیدا می‌کند، مقتضای تدبیر حکیمانه‌ی الهی این است که به صورتی آن‌ها را تنظیم کند که مجموعاً خیرات و برکات بیشتری بر آن‌ها مترتب شود.

با توجه به اینکه انسان می‌تواند واجد کمالات ابدی و جاودانگی گردد، اگر حیات او منحصر به همین حیات دنیوی محدود باشد، با حکمت الهی سازگار نیست؛ مخصوصاً که حیات دنیوی توأم با رنج و سختی‌های فراوان است. تحمل رنج و سختی برای دستیابی به لذات محدود ارزشی ندارد. از طرفی یکی از غرایز اصیل انسان، حب به بقاء و جاودانگی است.



وجود چنین میل فطری، هنگامی با حکمت الهی سازگار است که زندگی دیگری جز این زندگی محکوم به فنا و مرگ، در انتظار او باشد و آن هم به گونه‌ای که از رنج و سختی خبری نباشد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ش: درس ۴۴، ص ۳۶۵-۳۶۴)

- **برهان عدالت:** در این دنیا، انسان‌ها در انتخاب کارهای خوب و بد آزادند. عده‌ای تمام عمر را صرف عبادت خدا و خدمت به دیگران کرده و عده‌ای عمر را صرف هوس‌های شیطانی می‌کنند و از هیچ ستم و کار زشتی ابایی ندارند. اما در این جهان نیکوکاران و تبهکاران به پاداش و کیفر در خور اعمالشان نمی‌رسند؛ چه بسا تبهکاران از نعمت‌های بیشتری برخوردارند.

مقتضای عدل الهی این است که هر کس نتیجه‌ی کوچک‌ترین کار خوب یا بدش را ببیند. همانطور که این جهان، سرای آزمایش و تکلیف است، باید جهان دیگری برای پاداش و کیفر و ظهور نتایج اعمال باشد و هر فردی به آنچه شایسته‌ی آن است برسد تا عدالت الهی محقق شود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ش: درس ۴۴، ص ۳۶۶)

### - شواهدی برای معاد در قرآن

در آیات قرآن هم شواهدی برای معاد آمده است: (همان، ص ۳۷۵-۳۷۳)

#### زنده شدن زمین:

«فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (روم / ۵۰)

پس با تحمل به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌کند! بی‌تردید این (خدای قدرتمند) زنده کننده مردگان است و او بر هر کاری تواناست.

#### خواب اصحاب کهف:

«وَكَذَٰلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعَلِّمُوا أَن وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا...» (کهف / ۲۱)



### زنده شدن حیوانات به دست حضرت ابراهیم (علیه السلام):

«وَإِذِ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِكَ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره / ۲۶۰)

### زنده شدن بعضی از انسان‌ها:

از جمله یکی از انبیای بنی اسرائیل که در آیه‌ی ۲۵۹ سوره‌ی بقره آمده است و همچنین داستان گروهی از بنی اسرائیل که به حضرت موسی (علیه السلام) گفتند: ما تا خدا را آشکارا نبینیم، هرگز ایمان نخواهیم آورد و خدای متعال آنان را با صاعقه‌ای هلاک کرد و سپس به درخواست حضرت موسی علیه السلام دوباره آن‌ها را زنده کرد:

«وَإِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ \* ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره / ۵۶-۵۵)

همچنین زنده شدن یکی از بنی اسرائیل که در زمان حضرت موسی (علیه السلام) به قتل رسیده بود و به وسیله‌ی زدن پاره‌ای از پیکر گاو ذبح شده به او زنده شد. (بقره / ۷۳-۶۷)

از معجزات حضرت عیسی (علیه السلام) نیز زنده شدن بعضی از مردگان بود که نشانه‌ای برای وقوع معاد است. (آل عمران / ۴۹؛ مائده / ۱۱۰)

مهم‌ترین آیه‌ای که دلالت بر معاد می‌کند آیه‌ی شریفه «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره / ۱۵۶) که به طور صریح بازگشت انسان‌ها به سوی خدا را بیان می‌کند.

### ب) اثبات معاد در صحیفه سجادیه

امام سجاد (علیه السلام) در فرازی از دعای اول صحیفه به برهان عدالت اشاره می‌کند و پس از بیان عمومیت مرگ و اجل معین برای هر فرد، به عدالت خداوند اشاره می‌کند:



«ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ وَ يَرَهُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى آثَرِهِ وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورِ عِقَابِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى. عَدَلًا مِنْهُ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ، وَ تَظَاهَرَتْ آلَاؤُهُ، لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْتَلُونَ» (صحیفه سجاده، ۱۳۷۹: دعای ۱، ص ۳۰)

سپس بر هر یک در حیات او اجلی معین کرد و بر زندگانی وی مدتی مقرر داشت که گام‌های او در زندگی، قدمی است که به سوی اجل خود می‌رود و به رفتن (ماه‌ها و) سال‌های عمر روزگار آن اجل معین فرا می‌رسد تا هنگامی که آخرین قدم را برداشته و حساب عمر به پایان رسد و خدا قبض روح او کند و به جانب منزلی که دعوتش فرموده‌اند که یا سر منزل ثواب کامل (و سعادت و فوز نعمت بهشت) حق است و یا منزل شقاوت و قهر و عقاب خداست، رهسپار شود (یعنی اگر باایمان است و نیکوکار، بهشتی است و اگر کافر است و بدکار، دوزخی است) تا در آن عالم خدای متعال به عدل (و احسان) آنان را که بدکارند، به کیفر کردار بدشان برساند و آنان که نیکوکارند، پاداش نیکو عطا کند.

که کار خدا عدل (و احسان) است و اسماء مبارک و اوصاف کمالی‌اش پاک و منزّه (از ظلم و ستم به خلق) است و لطف و احسان نعمت‌هایش بر خلق آشکار است (یعنی پاداش بهشتیان به عدل و احسان و لطف اوست و کیفر دوزخیان هم به عدل و داد او و به احدی در دو عالم ستم نخواهد کرد، همه کارش لطف است و بدکاران عالم خود به نفس خویش ستم کرده و خویشتن را به دوزخ عقاب خدا فرستادند) و ابداً کسی را حق سؤال و چون و چرا در کار خدا نیست.»

عالمی که در آن زندگی می‌کنیم بر اساس تقدیر و اندازه‌گیری خاصی تنظیم شده و هرگز تجاوز از نظام هندسی آن میسر نیست و آنچه مقدر گشته و اندازه‌گیری شده، همان سنت غیر قابل تغییر الهی است.



انسان نیز یکی از موجوداتی است که جز در افعالی که با دست و پا و اعضای دیگر بدن انجام می‌دهد و در اختیار او می‌باشد، در هیچ چیز دیگری دخیل نیست. شب و روز او قدم‌هایی است که به طرف نهایت زندگی بر می‌دارد و چراغ زندگی او پیوسته رو به افول و خاموشی است. او در این سپری شدن ایام، مسیری را طی می‌کند که به یکی از دو مقصد منتهی می‌شود: یا به سعادت جاویدان و بهشت سرمد و حرم امن و امان الهی فرود می‌آید و یا -نعوذ بالله- به عذاب الیم الهی و دوزخیان ملحق می‌گردد.

پس اگر انسان این حرکت بسیار حساس را با حسابرسی دقیق بر گزار نکند و عمر خود را در بی‌خبری و بی‌خیالی طی کند، خرمن هستی خود را به تاراجی بس ابلهانه سپرده است و آنگاه که عیار خلق را می‌سنجند، او به بازتاب رفتارهای خود خواهد رسید.

هیچ انسان هوشیاری بر این عاقبت ذلت‌بار راضی نشود و در کشاکش عمر، قدم‌های زندگی را همراه با احتیاط بر می‌دارد. او خدای متعال را حاکم بر رفتار و کردار خود دانسته و پیوسته از او اطاعت می‌کند.

پاداش و عقوبت اخروی مانند پاداش و عقوبت این دنیا قراردادی و اعتباری نیست که با نوع جرم شباهت نداشته باشد و یا قابل تعویض باشد، بلکه فرد در آنجا تکویناً عکس‌العمل کردار خود را می‌بیند؛ چنانکه در نهاد تکوینی این جهان نیز عکس‌العمل طبیعی اعمال، معلول و فرآورده‌ی خود عمل است؛ مثلاً اگر کسی غذای مسمومی مصرف کند و متعاقب آن مبتلا به خونریزی دستگاه یا زخم معده شود، این جزا متناسب با همان عمل است.

در آخرت عملکرد انسان، بازتاب‌های تکوینی خود را نشان می‌دهد و تمامی اعمال با تأثیرات فوق‌العاده خود رخ می‌نمایند و اثر خود را همچنانکه می‌یابند، به جای می‌گذارند.

لذا بازتاب کفر غیر از نفاق و عکس‌العمل ظلم غیر از فسق می‌باشد:

«لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ»

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که فرمودند: از خداوند در مورد آنچه انجام داده، سؤال



نمی‌شود؛ زیرا او کاری را انجام نمی‌دهد مگر طبق حکمت و حق، اما انسان‌ها مورد سؤال واقع می‌شوند، چون برای همین خلق شده‌اند. (مدوحی، شرح دعای اول، ص ۱۴۱)

آن حضرت در قسمتی دیگر از صحیفه سجادیه، ضمن درخواست محفوظ ماندن از شر گناه و توفیق عبادت و توبه به درگاه خدا، از خداوند آمرزش طلبیده و ایمنی از خشم و قهر خدای متعال را در دنیا و آخرت درخواست می‌کنند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْبَلْ مِنِّي مِنَ الْمَعَاصِي، وَاسْتَحْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَآيِدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَاسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَادْفِنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ، وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَاكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ، وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآءِ آجِلِ بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَعَرِّقْنِي فِيهِ غَلَامَةً أَتَبَيَّنُهَا؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: دعای ۱۶، ص ۱۱۸)

ای خدای من، درود فرست بر محمد و آل پاکش و از (زشتی) ارتکاب معاصی مرا حفظ فرما، پیوسته به کار طاعتت مشغول دار و حال‌انابه و بازگشت از عصیان به اطاعت نصیب فرما و به آن توبه (توبه نصوح و مقبول حضرت) از پلیدی معصیت پاک و منزهام گردان و به عصمت و تحفظ از گناهان مرا کاملاً مؤید فرما و حالم برای عافیت و آسایش (و رستگاری ابدی) کاملاً صالح گردان و حلاوت و شیرینی بخشش و مغفرتت را به کام جانم بچشان و به عفو و آمرزش (از عقاب و زنجیرهای افعال زشتم) رهایی بخش و مرا آزاد ساخته رحمتت گردان و سر خط امان و ایمنی از خشم و قهرت بر من مرقوم دار به این امان و ایمنی نه تنها در آخرت (و عالم قیامت) بشارتم عطا کن، بلکه در همین عالم دنیای عاجل هم اثر این مژده رحمتت را بر من نمودار ساز و بر این رحمت خاص نشانی (اطمینان و یقین‌آور) بر من مبین و آشکار عطا فرما.

### نکته‌های فراز ۳۳ دعای ۱۶:

۱. نیکو انابه و توبه را باید از خداوند متعال درخواست کرد.
۲. گناه، چرک و آلودگی و توبه، پاکیزگی از آن است.
۳. باید از خداوند سبحان اصلاح تدریجی را طلب کرد؛ چرا که امام علیه السلام کلمه‌ی





«استصلاح» را در این قسمت به کار برده است که در معنا با اصلاح فرق دارد و نوعی برون‌رفت آرام و تدریجی به سوی صلاح را گویند.

این به دلیل آن است که گاهی اصلاح سریع نفس، خطرناک می‌باشد و ممکن است به مرگ بینجامد و از همین رو است که دستورهای اساتید فن اخلاق و معارف، معمولاً بسیار ملایم و تدریجی است.

۴. مقصود از عافیت در این فراز، عافیت از گناه و پیدایش اطاعت است که مراد از آن اصلاح امور نفسانی است.

۵. باید از خدای متعال خواست که ما را به دریافت بشارت آمرزش و امان در همین دنیا مفتخر سازد و این نوید را به آخرت موکول نکند؛ زیرا:

- دریافت امان‌نامه در این دنیا تنها برای کسی میسر است که از آب و خاک این عالم رهایی یافته و دارای تجرد برزخی و یا احیاناً تجرد عقلانی شده است.

- این بشارت آرامش خاطر در زندگی دنیا برای ایشان به ارمغان می‌آورد.

- کرامت فوق‌العاده‌ای است که موجب می‌شود انسان با ساختار قیامت و عوالم دیگر آشنا شده و به راحتی آماده‌ی سفر به آخرت گردد.

از خدای منان درخواست می‌کنیم که این کرامت عظیم را به همه‌ی ما مرحمت فرماید به حق محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله. (ممدوحی، شرح دعای شانزدهم)

### ج) شروع معاد و عمومیت مرگ

شروع معاد با مرگ و قبر است و این مرگ برای همگان است و عمومیت دارد. خدای متعال می‌فرماید:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (آل عمران / ۱۸۵)

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَتَبْلُوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا تُرْجَعُونَ» (انبیاء / ۳۵)

حضرت امام سجاد (علیه السلام) نیز به این نکته در قسمتی از دعای پنجاه و دوم صحیفه

سجادیه اشاره کرده‌اند:



«سُبْحَانَكَ عَلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتُ مِنْ وَحْدِكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ، وَ كُلُّ ذَاتِقِ الْمَوْتِ، وَ

كُلُّ صَائِرٍ اِيَّاكَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: دعای ۵۲، ص ۳۹۰)

با توجه به این فراز، مرگ برای همه است؛ چه مؤمن و چه کافر و همه در نهایت به سوی خداوند برمی‌گردند.

### د) مواجهه با مرگ

حال که گریزی از مرگ برای کسی وجود ندارد، چگونه باید به استقبال مرگ رفت و او را در آغوش گرفت؟

خدای متعال راجع به کافران می‌فرماید:

«وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ اَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُ اَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (بقره/ ۹۵)

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَاَيْتُمُوهُ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (آل عمران/ ۱۴۳)

ولی مؤمنان مشتاقانه منتظر مرگ و رسیدن به لقاء پروردگار هستند. امام سجاد علیه‌السلام در فرازی از دعای چهارم صحیفه سجادیه این‌گونه با خدا مناجات می‌کند:

«وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْاَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ اِيَّاكَ، وَ نَحْرِصُ لَكَ عَلَىٰ وَشْكَ

الَّلَّحَاقِ بِكَ حَتَّىٰ يَكُوْنَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا الَّذِي نَأْسُ بِهِ، وَ مَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَاقُ اِلَيْهِ، وَ حَامَّتْنَا الَّتِي نُحِبُّ

الدُّنْيَا مِنْهَا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: دعای ۴۰، ص ۲۶۱)

و از اعمال شایسته عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی (پاداش) تو را دیر بشماریم و به روز رسیدن به (رحمت) تو حرص داشته باشیم تا مرگ برای ما جای انس و آرامش باشد که با آن انس می‌گیریم و جای الفت و دوستی باشد که به سوی آن شوق داشته باشیم و خویشاوند نزدیکی باشد که نزدیک شدن به او را دوست بداریم.

و ای خدای از اعمال صالح، ما را به عملی موفق ساز که با آن عمل، مدت بسیار توشه‌ی راه



آخرت توانیم داشت (یعنی ای خدا، ما را به عملی خالص برای رضای خود توفیق ده که آن عمل مدت مدیدی زاد و توشه سفر طولانی آخرت ما تواند شد) و چون هنگام ملاقات ما با حضرتت نزدیک شود (و مرگ ما که روز لقای توست فرا رسد) آن عمل نیک ما را حریص و مشتاق دیدار تو گرداند تا آنکه به حقیقت مرگ بر ما، انس با تو و الفت به حضرتت و اشتیاق به ملاقاتت گردد و ورود به محفل قدست و مقام قرب و شهود شود که دخول در بهشت نعیم و فردوس و عدن و رضوان لازمه‌ی آن خواهد بود. (انصاریان، شرح صحیفه سجادیه، دعای چهارم)

و در ادامه از خداوند می‌خواهند که:

«فَاذْأُورِدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَاسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَ أَنْسِنَا بِهِ قَادِمًا، وَ لَا تُشَقِّنَا بِضِيَاقَتِهِ، وَ لَا تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَ مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: دعای ۴۰، ص ۲۶۱)

پس هرگاه آن را بر ما حاضر نمودی و به ما واقع ساختی، ما را با آن نیکبخت گردان؛ در حالی که زیارت کننده و دیدارکننده (آمدنش از روی مهربانی) باشد و ما را با آن انس ده، در حالی که از راه برسد و ما را به مهمانی آن بدبخت مکن و از دیدارش خوار و رسوا و سربریز مفرما و آن را دری از درهای آمرزش خود و کلیدی از کلیدهای رحمت خویش گردان.

باری، چون اجل و مرگ را از آسمان عنایت بر ما فرود آوری، (کرم کن و) به دیدار چهره‌ی مرگ (که به حقیقت دیدار توست) ما را سعادت‌مند (و شاد خاطر) و مأنوس با آن جهان گردان و در آن حال که به مهمانی مرگ آمدیم و در آن حال ما را شقی و مرحوم (از لذات انس و الفت با حضرتت) مگردان و دیدار مرگ را و زیارت جمال او راه، موجب بدبختی و خذلان ما قرار مده، بلکه مرگ را بر ما دری از درهای مغفرت و کلیدی از کلیدهای رحمت (و دار نعمت ابد) خود مقرر فرما. (انصاریان، شرح صحیفه سجادیه، دعای چهارم).

آن حضرت در فرازی دیگر از دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه، از خداوند تقاضا می‌کند تا مرگ او را مرگ افراد سعادت‌مند قرار دهد:



«وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ، وَ بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ،

وَ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيدًا، وَ تَوَقَّيْتَهُ سَعِيدًا؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: دعای ۴۷، ص ۱۰۵)

و از آنچه (گرفتاری‌هایی که) غلامان و کنیزان خود را دچار کرده‌ای، سلامتی و بی‌گزندی ده و به منتهی درجات کسی برسانم که به او عنایت داشته (از گرفتاری‌های دنیا و آخرت) نگهداریش نموده‌ای و بر او انعام و بخشش کرده‌ای و از او خشنود شده‌ای و به سبب آن او را (در دنیا از جهت اخلاق و افعال نزد خود) ستوده شده، زنده داشته‌ای (دوران عمرش را به نکونامی گذرانیدی) و روز رحلتش نیز قبض روح او را به سعادت و حسن عاقبت فرمودی.

یعنی مرا به مقامات انبیاء و اولیاء خود نائل ساز که آن‌ها در دنیا نکونام زیستند و موقع رحلت با سعادت رفتند. در واقع حضرت می‌خواهند به ما آموزش دهند که از خداوند سعادت دنیا و آخرت را بخواهید نه خواسته‌های کم‌ارزش و پوچ را.

و مرا از امتحان و ابتلاهای سختی که طبقات مرد و زن را به آن مبتلا می‌گردانی، مرا (از کرم) معاف دار و مرا به مقامی رسان که آن مقامات را به کسی عطا کردی که به عنایت خاص نعمت (نبوت و خلافت) را به او عطا فرمودی و از او راضی و خشنود بودی و دوران عمرش به نکونامی گذرانیدی و روز رحلتش هم قبض روح او را به سعادت و حسن عاقبت فرمودی. (یعنی مرا به مقامات انبیاء و اولیاء خود نائل ساز که آن‌ها در دنیا نکونام زیستند و وقت رحلت، سعادت فرجام رفتند. در حقیقت به امت تعلیم داده که از خدا چنین آرزو و حاجت‌ها را در دعا مسئلت کنی، نه حاجت‌های پوچ فانی دنیوی را.) (انصاریان، شرح صحیفه سجادیه، دعای چهل و هفتم.)

### ح) آمادگی برای مرگ

آن حضرت برای اینکه سختی و شدائد مرگ را آسان کنند، از خدای متعال اینگونه تقاضا می‌کنند:

«اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ الْفَنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي، وَ ارْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ

الدُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي، وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي؛» (صحیفه سجادیه،



۱۳۷۹: دعای ۳۱، ص ۲۰۷)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و با آمرزش خود به من رو آور، (مرا مشمول رحمت بگردان و بیماریز) چنانکه من با اعتراف خود به (درگاه) تو رو آوردم و مرا از چاه‌های گناهان بردار (حفظ فرما) چنانکه خود را برای تو پست ساخته‌ام (با فروتنی به پیشگاه تو پناه برده‌ام) و مرا در پرده (رحمت) خود بیوشان (بیمارز) چنانکه در انتقام و به کیفر رساندن من درنگ نمودی.

آن حضرت در بند بعدی همین دعا، ضمن درخواست از خداوند متعال برای ثابت قدم ماندن در اطاعت خدا و بندگی او، مرگ همراه با ایمان را تقاضا می‌کنند و می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ وَثِّبْ فِي طَاعَتِكَ نَبِيَّتِي، وَأَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي، وَوَقِّنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَسَّ الْأَخْطَايَا عَنِّي وَتَوْفِّقْنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِذَا تَوَفَّيْتَنِي؛» (همان، ص ۲۰۸)

بار خدایا مرا در قصد فرمانبریت پابرجا گردان (که همیشه در طاعت تو بکار رفته، بغیر آن رو نیاورد) و بینایی‌ام را در بندگی‌ات استوار ساز و مرا توفیق ده به کارهایی (عبادت از روی اخلاص) که به وسیله آن چرک (آثار) گناهان را از من بشویی، (آن‌ها را نابود کرده، مرا بیماریزی) و هنگام مرگ مرا بر دین خود و آیین پیغمبرت حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) بمیران.

امام سجاد (علیه‌السلام) در ضمن یادآوری مرگ و فانی بودن این جهان، می‌خواهند به عبادات و اعمال ما جهت الهی بدهند و اینکه باید همواره به یاد مرگ بود و در انجام هر عملی، به نتیجه‌ی آن در هنگام مرگ و بعد از مرگ توجه داشت.

ایشان در فرازی از دعای اول می‌فرمایند:

«حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبُرْزَخِ، وَ يُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹:

دعای ۱، ص ۳۳)

سپاسی که تاریکی‌های برزخ (قبر) را بر ما روشن سازد (مراد از تاریکی‌ها، شدت و سختی آن است یا اینکه به اعتبار تاریکی قبر و تاریکی ترس و تاریکی عمل، تعبیر به تاریکی‌ها فرموده



است) و راه رستاخیز را (راهی که همه مردم را پس از زنده گردانیدن برای رسیدگی به حساب از آن راه به محشر می‌فرستند) برای ما آسان نماید...

مقصود آن است که هنگام خروج از قبر و عالم برزخ تا ورود به عرصه‌ی محشر که وحشت و شدت زیادی دارد، حمد تو دستگیر من باشد و آن شادید بر من آسان شود. برزخ عبارت است از فاصله‌ی میان مرگ و رستاخیز؛ چنانچه در آیه‌ی شریفه آمده است: «وَمِنْ ورائِهِمْ بَرْزَخٌ أَلِی یومِ یَبْعَثُونَ»

پس از آنکه روح از بدن خارج شد تا فرا رسیدن روز رستاخیز عالمی که روح در آن قرار دارد، عالم برزخ است که حد وسط میان دنیا و آخرت است. (فهری، شرح صحیفه سجادیه، شرح دعای اول)، آن حضرت در فرازی از دعای چهلم از خداوند می‌خواهند که یاد مرگ را دائمی قرار دهند نه موقت، به طوری که همیشه پیش روی ما باشد:

«سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَ آمِنًا مِنْ شُرُورِهِ، وَ انْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيًّا؛»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۲۶۰)

و ما را از فریب آرزو سلامت و بی‌گزند و از بدی‌هایش ایمن فرما و مرگ را در جلو ما برپادار (آنی آن را از یاد ما مبر) و یاد کردن ما آن را روزی پس از روزی (یا روزی پس از روزهایی) قرار مده (ما را توفیق ده تا همیشه به یاد آن باشیم و روزی آن را از یاد مبریم که مستلزم کوتاهی آرزو و کوشش در عبادت و بندگی و چشم‌پوشی از دنیا و کالای آن و رو آوردن به آخرت است).

### زنده شدن مردگان در روز قیامت

بعد از مرگ و عالم برزخ نوبت می‌رسد به عالم قیامت و زنده شدن مردگان، خدای متعال در مورد حضرت عیسی علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ یَمُوتُ وَ یَوْمَ یُبْعَثُ حَیًّا؛» (مریم / ۱۵)

سلام بر او آن روز که تولد یافت و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود.



و در جایی دیگر در سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون بعد از اشاره به مراحل خلقت انسان و بیان مرگ، می‌فرماید:

«ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ» (مؤمنون/۱۶)

سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید.

امام سجاد (علیه‌السلام) نیز در فرازهایی از صحیفه سجادیه به این موضوع اشاره کرده‌اند و زنده شدن مردگان را یادآوری می‌کنند:

«وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ، فَيَبِيَهُ بِالنَّفْخَةِ صَرَغَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۵۱)

و اسرافیل، صاحب صور که چشم گشوده و بر هم نمی‌نهد، منتظر دستور و فرمان توست تا با دیدن (در صور) افتادگان در گورها را آگاه گرداند (مردگان را زنده نماید).

اسرافیل در صوری می‌دمد که ساکنان عالم برزخ به واسطه‌ی آن از قبور برخاسته و با نفخه‌ی دیگری به عالم محشر راه پیدا می‌کنند. بازتاب صور برانگیخته شدن جمیع انسان‌هاست که خود را آماده‌ی ورود به قیامت می‌بینند. (ممدوحی، دعای ۳، ص ۱۲)

از آیات شریفه‌ی قرآن استفاده می‌شود که اسرافیل سه بار در صور نفخ می‌کند: اولی «نفخه‌ی اماته» است که در آن همه‌ی افراد بشر و بلکه آنچه در آسمان و زمین است، خواهند مرد:

«و نفخ فی الصور فصعق من فی السَّمَوَاتِ و من فی الْأَرْضِ»

نفخه‌ی دیگر «نفخه احیاء» است که همه مردگان دوباره زنده می‌شوند:

«ثُمَّ نَفْخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»

و نفخه‌ی سوم «نفخه بعث» است:

«وَ نَفْخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا وَ نَفْخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ»

(فهری، شرح صحیفه سجادیه، شرح دعای سوم)



و از خدای متعال درخواست می‌کنند که:

«مَوْلَايَ وَ اَرْحَمِي فِي حَسْرِي وَ نَشْرِي، وَ اجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ اَوْلِيَايِكَ مَوْقِفِي، وَ فِي

اَحْيَايِكَ مَصْدَرِي، وَ فِي جِوَارِكِ مَسْكِنِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۳۹۷)

ای مولای من و مرا در (روز) برانگیختن و زنده شدنم (برای حساب و بازپرسی) رحم کن و ایستگاهم را در آن روز با دوستانم و بازگشتم را (به سرای جزاء) در میان یارانت و منزل و جایم را در همسایگی (رحمت) خود قرار ده! ای پروردگار جهانیان.

آن حضرت در فراز دیگری ضمن اعتراف به اینکه خداوند تنها نقطه‌ی امید و ملجأ و تنها فرد خیررسان است، می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ عِدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَ أَنْتَ مُنْتَجَعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَ بَكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ، وَ عِنْدَكَ

مِمَّا فَاتَ خَلْفُ، وَ لِمَا فَسَدَ مِنَّا صِلَاحٌ، وَ فِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرٌ، فَاْمُنُّنُ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَاقِبَةِ وَ قَبْلَ

الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَ قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرُّشَادِ، وَ اَكْفِنِي مَوْتَةَ مَعْرَةِ الْعِبَادِ، وَ هَبْ لِي اَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ، وَ

اَمْحِخْنِي حُسْنَ الْاَلْرِشَادِ؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۱۳۸)

بارخدا! اگر اندوهگین گردم، ساز و سامانم تویی (به تو رو آورم) و اگر (از هر جا) ناامید شوم، امیدگاهم تویی و اگر غم‌های سخت به من رو آورد، فریادرسی‌ام به توست و نزد توست، عوض هرچه از دست رفته و صلاح و سازگاری هرچه تباه گشته و تغییر در آنچه زشت دانسته‌ای، پس پیش از گرفتاری، تندرستی و پیش از درخواست، توانگری و پیش از گمراهی، راهنمایی را به من احسان فرما و عیب‌جویی بندگان را از من دور نما و آسودگی (از عذاب و گرفتاری) روز بازگشت را به من بچشان و نیکی راهنمایی کردن به من عطا فرما.

تنها ملجأ و پناهگاه درماندگان، خداوند است؛ اوست که بر هر کاری قادر و تواناست. می‌تواند بلاء را دفع کند و رحمت را جایگزین آن کند و تنها اوست که می‌تواند مانع رسوایی انسان در روز قیامت شود.

آنگونه که امام سجاد (علیه‌السلام) از خداوند می‌خواهند که:





«وَلَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ اثَامِنَا؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۲۷۲)

و ما را در میان گروه بسیاری که در قیامت حاضر می‌شوند، به گناهان تباه سازنده‌یمان رسوا مکن.

و در ادامه می‌فرمایند:

«وَأَرْحَمُ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلُّ مَقَامِنَا، وَ تَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَلْ أَقْدَامِنَا، وَ نَوَّرَ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا وَ نَجَّنا مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ شَدَّ أَيْدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّةِ؛» (همان، بند ۱۵، ص ۲۷۳)

و به وسیله‌ی قرآن در جای صف بستن و به یک رشته در آمدن در برابر تو، بر خواری مقام و مرتبه ما رحم فرما و هنگام لرزیدن پل دوزخ در روز گذشتن از آن، لغزش گام‌های ما را ثابت و پابرجا بدار و پیش از برانگیخته شدن (زنده شدن در قیامت) تاریکی قبرهای ما را روشن فرما و ما را روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس‌های سخت روز قیامت (که مصیبت و سختی آن بالاترین مصائب و سختی‌هاست) نجات ده.

## ۲. نام‌های قیامت در صحیفه سجادیه

در قرآن کریم از روز قیامت با نام‌های گوناگونی یاد شده است:

یوم القیامة، یوم الآخرة، یوم الحسرة، یوم الدین، یوم الحساب، یوم البعث، یوم الیم، یوم عظیم، یوم التلاق، یوم الآزفة، یوم الأحزاب، یوم وقت المعلوم، یوم تقوم الساعة، یوم الجمع، یوم التغابن، یوم الوعید، یوم الخلود، یوم الخروج، یوم الحق و یوم الموعد.

**الف) یوم القیامة:** بیشترین نامی که در آیات قرآن کریم تکرار شده است، «یوم القیامة»

است. در صحیفه سجادیه نیز بیشترین نامی که برای روز قیامت به کار رفته، «یوم القیامة» است.

کلمه‌ی قیامت ۹ بار در جاهای مختلف صحیفه سجادیه تکرار شده که در شش جا، به کلمه‌ی «یوم» اضافه شده است.



اولین جایی که حضرت امام سجاد (علیه السلام) از روز قیامت با عنوان یوم القیامة یاد می کنند، در دعای اول است که در حمد و ستایش خدای متعال به اینجا می رسند که می فرمایند:

«ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَ الْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَ مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۴۰)

پس او راست سپاس به جای هر نعمتی که بر ما و بر همه ی بندگان گذشته و مانده اش دارد و به شماره همه چیزها (از کلی و جزئی) که علم او به آن ها احاطه دارد و همه را فرا گرفته و به جای هر یک از نعمت ها، به شماره چندین برابر همیشه و جاوید تا روز قیامت...

و در دعای چهل و دوم این گونه می فرمایند:

«وَوَجَّعْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛» (همان، ص ۲۷۳)

و ما را نجات بده به وسیله قرآن، از هر سختی و بلای روز قیامت... ایشان در ادامه در ضمن دعا برای رسول اکرم، پیامبر خاتم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَ أَمْكَنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً، وَ أَجْلَهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا، وَ أَوْجِهُهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۲۷۴)

بار خدایا! پیغمبر ما را -درودهای تو بر او و بر آل او باد- روز رستاخیز از جهت مرتبه و مقام، نزدیک ترین پیغمبران به خود و از جهت شفاعت و میانجی گری (از گناهان امت)، برترین ایشان و از جهت قدر و منزلت، بزرگ ترین آن ها و از جهت جاه و جلال، آبرومندترین آنان نزد خود قرار ده.

امام سجاد (علیه السلام) در قسمتی از دعای وداع با ماه رمضان آورده اند که:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۳۱۰)

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و برای ما پاداش های کسی را بنویس (واجب و لازم



گردان) که تا روز قیامت در آن ماه روزه گرفته یا در عبادت برای تو کوشش داشته است.

و در ادامه همین دعا، برای همه مسلمانان اعم از گذشته و آینده، از خدای متعال درخواست عفو و بخشش می‌کند:

«اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا وَآبَائِنَا وَآمَهَاتِنَا وَ أَهْلَ دِينِنَا جَمِيعًا مَن سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَن عُبرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۳۱۲)

بارخدا! از پدران و مادران و همه هم‌کیشان ما، هر که از ایشان در گذشته و هر که در گذشته (موجود باشد یا پس از این بیاید) تا روز رستاخیز درگذر (آنان را ببخش).

به فدای آن حضرت که با نگاه وسیع و پر محبتشان ما را هم مشمول دعای خویش قرار داده- اند. درود و صلوات خدای متعال به آن امام عزیز تا روز قیامت. ان شاء الله که با لطف و کرم خدای متعال در روز قیامت به آن وجود مقدس پیوندیم و در آنجا هم جیره‌خوار سفره‌ی کرمان باشیم.

**ب) یوم الدین:** یکی دیگر از نام‌های روز قیامت در صحیفه سجادیه «یوم الدین» است که این نام بارها در قرآن تکرار شده است. دین به معنای جزاء است و جزاء در روز قیامت مخصوص انسان و جن است. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ص ۳۵)

روشن‌ترین برنامه‌ای که در قیامت اجرا می‌شود، همین برنامه‌ی جزاء و کیف و پاداش است. در آن روز پرده از روی کارها کنار می‌رود و اعمال همه دقیقاً مورد محاسبه قرار می‌گیرد و هر کس جزای اعمال خویش را اعم از خوب و بد می‌بیند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، سوره حمد)

آن حضرت در فرازی از دعای چهارم خود آورده‌اند:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى أَرْوَاجِهِمْ، وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ، وَ

عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ؛»

بارخدا! از امروز تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر که از ایشان ترا اطاعت نموده، درود فرست.

این دعا در مورد درود بر پیروان پیغمبران و ایمان‌آوردگان به ایشان است که در این قسمت



دعا، امام سجاد (علیه‌السلام) با نگاه وسیعشان برای همه‌ی آنان حتی خانواده‌هایشان دعا می‌کنند. البته به دلیل قطعی و روشن عقل، صحابی بودن و یا تابع بودن به تنهایی برای محبت ورزیدن و دعا کردن نسبت به آنان کافی نیست؛ بلکه در اینجا کسانی مورد دعای حضرت هستند که قرین تقوی و ترک هوا و انجام کارهای بسیار سخت بوده و در کمک به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و مجاهده در راه اسلام بسیار موفق بودند و از نوادر بندگان الهی به حساب می‌آمدند نه آنکه هر فردی که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، او صحابی واجب الاحترام و لازم‌التبعیه باشد که هرگز چنین نیست. (ممدوحی، دعای چهارم)

**ج) یوم الفصل:** در قرآن کریم این نام شش مرتبه تکرار شده است و به معنای جدایی حق از باطل است. امام سجاد (علیه‌السلام) در هنگامی که ستمی به آن حضرت می‌رسید، از خداوند طلب صبر می‌کردند و می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَمَجْمَعِ الْخُصْمِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَيِّدْنِي مِنْكَ بِنَيْبِهِ صَادِقِهِ وَصَبْرٍ دَائِمٍ؛» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۴، بند ۱۴)

بارخدا! و اگر نیکی من نزد تو در تأخیر گرفتن حق من و به کیفر نرساندن ستمگر من است تا روز قیامت (روزی که حق و باطل از هم جدا می‌شوند) و جای گرد آمدن دشمنان، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا (در هر کاری) به تصمیم نیکو و شکیبایی همیشگی کمک فرما.

اوج کلام امام سجاد (علیه‌السلام) در آنجاست که می‌فرمایند:

«خدا! اگر تعجیل انتقام ظالم، خیر و مصلحت نیست، انتقام او را به روز محشر واگذار کن.»

این خواهش دو ویژگی دارد:

۱. مقام بلند رضا و تسلیم حضرت را نسبت به اراده‌ی خدا نشان می‌دهد؛
۲. گاهی تأخیر در دعا - هرچند بر شتاب آن اصرار باشد - به خیر و مصلحت شخص دعاکننده

است. (ممدوحی، دعای ۱۴)



**(د) یوم المعاد:** کلمه‌ی «معاد» فقط یک بار در سوره‌ی قصص آمده است؛ در جایی که خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ...» (قصص / ۸۵)

آن کسی که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت (=زادگاهت) باز می‌گرداند...

این آیه در راه هجرت به مدینه نازل شده است. وقتی که عشق و دلبستگی حضرت به مکه و دوری از حرم امن الهی ایشان را آزار می‌داد؛ در اینجا نور وحی به قلب پاکش می‌تابد و بشارت بازگشت می‌دهد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه).

بنابراین در اینجا به معنی روز قیامت به کار نرفته است.

حضرت در دعای بیستم با عنوان «معاد» از قیامت یاد می‌کند:

«وَأَرْزُقُنِي فَوْزَ الْمَعَادِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹:ص ۱۳۷)

و رستگاری در قیامت را روزی ام کن.

در قسمتی از دعای بیستم که در مورد درخواست توفیق برای خواهی پسندیده است، بعد از بیان اینکه هیچ ملجأ و پناهگاهی جز خداوند متعال نیست، از خداوند می‌خواهند:

«وَهَبْ لِي أَمَّنَ يَوْمِ الْمَعَادِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹:ص ۱۳۸)

و آسودگی (از عذاب و گرفتاری) روز بازگشت را به من بچشان...

**(ح) یوم الحسرة:** «وَبَيْضٌ وَجْهَانَا يَوْمَ تَسْوَدُّ وَجُوهُ الظَّالِمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ»

(همان، دعای ۴۲، بند ۱۶، ص ۲۷۳)

و روهای ما را سفید (شادمانان) گردان، روزی که روی‌های ستمگران سیاه می‌شود (افسرده می‌گردند) در روز افسوس و پشیمانی.

این فراز اشاره می‌کند به آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی مریم که خداوند می‌فرماید:

«وَأَنْذَرْنَاهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»



آنان را از روز حسرت [روز رستاخیز که برای همه مایه‌ی تأسف است] بترسان؛ در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد و آن‌ها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند.

در آن روز هم نیکوکاران تأسف می‌خورند، ای کاش بیشتر عمل نیک انجام داده بودند و هم بدکاران، چرا که پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق اعمال و نتایج آن بر همه کس آشکار می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه.)

**ط) یوم تبلی السرائر:** آیه‌ی ۹ سوره‌ی طلاق اشاره به همین نام قیامت دارد. در تفسیر المیزان آمده است: وجه تسمیه قیامت به «یوم تبلی السرائر» این است که کلمه‌ی «یوم» ظرف است برای «رجع» و «سریره» عبارت است از هر چیزی که انسان در دل خود پنهان می‌کند و کلمه‌ی «بلاء» که فعل «تبلی» مشتق از آن است، به معنای آزمایش و نیز شناسایی و کشف نهانی است؛ بنابراین معنای آن می‌شود: روزی که آنچه از عقاید و آثار اعمال که انسان‌ها پنهان کرده بودند، چه خیرش و چه شرش، به مورد آزمایش و شناسایی قرار می‌گیرد. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ص ۴۳۲)

آن حضرت در دعای طلب عاقبت‌بخیری از خداوند می‌خواهند که:

«وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَرَّتَهُ عَلَي رُؤْسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُؤا أَخْبَارَ عِبَادِكَ؛» (صحیفه سجادیه،

۱۳۷۹:ص ۹۲)

در روزی که اخبار بندگان را آزمایش می‌کنی (به حسابشان رسیدگی می‌نمایی) در برابر گواهان (فرشتگان و انبیاء و ائمه (علیهم السلام)) پرده‌ای که (گناهان را) با آن پوشانده‌ای، از روی کار ما بر مدار.

و در دعای روز عرفه از خداوند متعال می‌خواهند که:

«وَأَجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَتَابَةً أَتَبَوَّءُهَا، وَ أَقْرُ عَيْنًا، وَ لَا تُقَايِسْنِي

بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَ لَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرِ؛» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: بند ۱۲۹، ص ۳۵۷)



و برای من نزد (رحمت) خود آرامش‌گاهی که در آن آرامش گیرم و جاهایی که در آن جای گزینم و چشم را روشن سازم (شاد شوم) قرار ده و (کیفر) مرا با گناهان بزرگ (که به جا آورده‌ام) مَسْنَج و در روزی که (رستاخیز) پنهانی‌ها (اعمال نیک و بد) آشکار می‌شود، عذابم نکن...

**ی) یوم الطامة:** نام دیگری که امام سجاد (علیه‌السلام) در صحیفه به آن اشاره کرده‌اند، «یوم الطامة» است؛ آنجا که می‌فرمایند:

«وَشَدَّ أَيْدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۲۷۳)

و از ترس‌های سخت روز قیامت (که مصیبت و سختی آن بالاترین مصائب و سختی‌هاست) نجات ده.

در قرآن کریم هم در سوره‌ی نازعات با این نام از قیامت یاد شده است؛ آنجا که خدای متعال می‌فرماید:

«فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى» (نازعات/ ۳۴) هنگامی که آن حادثه‌ی بزرگ رخ دهد.

آن حضرت در جای‌جای صحیفه با عناوین دیگری از قیامت یاد کرده‌اند که اشاره به اتفاقات آن روز دارد:

«يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۳۳)

روزی که هر کسی به سزای آنچه کرده است، می‌رسد و به ایشان ستم نمی‌شود.

آن حضرت در این بند از دعا، اشاره به حساب‌رسی روز قیامت و برپایی حق می‌کنند و در جای دیگری می‌فرمایند:

«فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ» (همان، دعای ۳، ص ۵۷)

پس بر ایشان (فرشتگان) درود فرست در روزی که هر کسی می‌آید و با او راننده و گواهی (از فرشتگان) است.



این بند از دعا برگرفته از آیه‌ی: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ» (ق / ۲۱) است که به این معنی است که هر کس در روز قیامت می‌آید، با او دو فرشته است؛ یکی «او را به معاد و بازگشت می‌راند» و دیگری «به عمل او» گواه است.

در تفسیر مجمع البیان در ذیل این آیه آمده است که:

«وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ»

یعنی در روز موعود هر فرد مکلفی خواهد آمد، در حالی که فرشته‌ای همراه اوست که او را به سوی حساب سوق می‌دهد و فرشته‌ی دیگر شاهد اعمال اوست و تمام اعمال او را یادداشت نموده است که دیگر راهی برای فرار و انکار نخواهد داشت.

ضحاک گفته است: سائق از فرشتگان خواهد بود و شاهد از اعضاء و جوارح انسان که شهادت بر اعمال آنان می‌دهد. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۶۴)

حضرت در دعای دیگری از نیازمندی به خدا در آن روز یاد می‌کنند:

«صَلَوَةٌ تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: دعای ۳۱، ص ۲۱۵)

و بر محمد و آل او درود بفرست؛ درودی که ما را روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو (از عذاب و کیفر جاوید) شفاعت نماید.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است:

«أنا عند الميزان يوم القيامة فمن ثقلت سيئة على حسناته جئت بالصلاة على حتى أثقل بها حسناته» من در روز قیامت در کنار میزان هستم؛ هر کس سیئاتش بر حسناتش سنگینی کند، من صلوات خودم را (که در دنیا فرستاده است) می‌آورم و به سبب آن، حسناتش را سنگین می‌کنم. (ضیاء آبادی، شرح دعای توبه)

در دعایی که برای روز عرفة آورده‌اند، از رسوایی و خواری آن روز سخن می‌گویند:

«وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۹: ص ۳۵۱)

و روزی (قیامت) که مرا برای دیدار خود (حساب و بازپرسی) برانگیزی (زنده کنی) خوار و

شرمنده مکن.





در آن روز که حقایق آشکار می‌شود. (طارق / ۹)

و آنچه درون سینه‌هاست برملا می‌شود. (عادیات / ۱۰)

و دادگاه عدل الهی تشکیل می‌شود و اعمال همه بندگان حاضر می‌شود، (تکویر / ۱۴) از خدای متعال می‌خواهند که آبرویشان را حفظ کند و در بین خلق رسوا و خوار نشوند.



### نتیجه بحث

هیچ کس عمر ابدی ندارد و این جهان فانی و گذراست. ولی اینجا پایان کار نیست و مرگ دروازه‌ی ورود به جهانی دیگر است. جهانی که در آن پرده از روی اعمال و نیات برداشته می‌شود و با توجه به عدل و حکمت خدای متعال، هر کس به کیفر یا پاداش اعمال خود خواهد رسید و به احدی به اندازه سنگینی ذره‌ای ظلم نخواهد شد.

امام سجاد (علیه السلام) در جای‌جای صحیفه با توجه به حتمی بودن مرگ و برپایی قیامت و محکمه‌ی عدل الهی از شر آن روز به خدا پناه می‌برند و آسایش و آرامش و سعادت آن دنیا را از خدا طلب می‌کنند. البته که آن حضرت مصون از خطا و اشتباه هستند؛ ولی در غالب دعا و مناجات با زبانی شیرین و دل‌نشین در پی آموزش و بیداری دل‌های غافل و غبارآلود بندگان خدا هستند. آن حضرت با بیان معارف الهی و شرح اتفاقاتی که در لحظه‌ی مرگ، قبر و برزخ و قیامت رخ می‌دهد، درصدد انذار مردم و هدایت آن‌ها به آغوش پر مهر خداوند هستند تا بلکه با یادآوری لحظه‌های سخت جان‌کندن و قبر و قیامت، به اصلاح اخلاق و رفتار خود پرداخته و برای رهایی از عذاب و دریافت پاداش الهی تلاش کند.

ان شاء الله که خداوند توفیق انس و عمل به آموزه‌های آن حضرت را به همه‌ی ما عطا بفرماید و عاقبت امورمان را در دنیا و آخرت خیر قرار دهد.



## منابع

### \* قرآن کریم

- \* قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
- \* صحیفه سجادیه، ترجمه: سید علی نقی فیض الاسلام، چاپ پنجم، چاپخانه جوانبخت: مرکز چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹ ش.
۱. أحمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، أبو الحسین، معجم مقائیس اللغة، محقق: عبد السلام محمد هارون، ناشر: دار الفکر: ۱۳۹۹ ق.
۲. انصاریان، حسین، شرح صحیفه سجادیه، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۹
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدارالشامیه، ۱۴۱۶ ق.
۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.
۵. طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۱۸ ق.
۶. طوسی، خواجه نصیر الدین، آغاز و انجام، محقق: حسن زاده آملی، حسن، قم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹.
۸. فهری، سید احمد، شرح صحیفه سجادیه، تهران، اسوه، ۱۳۸۸.
۹. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، چاپ اول، قم، دار الثقلین: چاپخانه پاسدار اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. ممدوحی، حسن، شناخت و شهود، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲.

